



بررسی مسائل امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه ی خاورمیانه

مریم بیرانوندنژاد^۱

چکیده

تامین امنیت مرزها، همواره یکی از موضوعات مهم و کاربردی در جغرافیای سیاسی می باشد که نه تنها با گذشت زمان از اهمیت آن کم نشده بلکه معیارها و مسایل جدیدی نیز به آن اضافه گردیده است. در حقیقت آن چه که امروزه همه درباره آن متفق القول هستند این است که داشتن مرزهای مطمئن و امن در اجرای سیاست حسن هم جواری و اعمال حاکمیت دولت در هر کشوری نقش کلیدی و هدایت کننده داشته و از کاربرد وسیعی برخوردار می باشد و پیچیدگی مسایل مرزی در عصر کنونی ضرورت توجه به ابعاد گوناگون آن را خصوصاً از بعد امنیتی بیشتر نمایان می سازد پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال است که اساساً در محدوده مرز ایران با کشورهای همسایه از مسائل مهم و کلیدی امنیتی وجود است که امروزه توسط نیروهای تکفیری تهدید می شود. لذا برای کشورهایی چون ایران که دارای تنوع مرزها و تعدد همسایگان و تداخل های قومی و فرهنگی با کشورهای پیرامونی هستند، تصمیم گیری و تفکر در مورد امنیت ملی و امنیت داخلی کشور بدون توجه به امنیت مرزها غیر ممکن است.

کلید واژه ها: امنیت، داعش، سلفی گری، مرزها، ابعاد تهدید.

مقدمه

گویا امنیت مرزها بیش تر بر پایه ی یک تقسیم بندی جغرافیایی معرفی می گردد. به عقیده ی باری بوزان، امنیت بر مبنای معیار جغرافیایی، در نقطه مقابل امنیت خارجی تعریف گردیده و بر این اساس، تمام موضوعاتی که در حیطه ی قلمرو ملی وجود دارند را در بر می گیرد. از طرف دیگر امنیت داخلی و خارجی را همچنین سطوحی از امنیت ملی در نظر می گیرند. مطابق با این نگرش، هنگامی که امنیت خارجی متوجه تهدیدات ناشی از کشورهای رقیب یا دشمن می باشد، امنیت داخلی مربوط به براندازی و چالش از سوی گروه هایی بوده که اقتدار دولت را قبول نکرده اند. آسیب پذیری ها در امنیت داخلی از نقاط ضعف مرزمنی نشأت گرفته که ساختار، امکانات و قابلیت های موجود نتواند جوابگوی آنها باشد ایران در محیط پیرامونی خود خصوصاً مرزهای شرقی همواره با چالش ها و مشکلات متعدد و مداوم روبرو بوده و در حال حاضر تروریسم و افراط گرایی، دولت های ضعیف و بحران اقتدار و همچنین مداخلات قدرت های فرا منطقه ای خصوصاً در مرزهای کشور خصوصاً مرزهای شرقی سه

^۱ کارشناس اشد روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم اباد



چالش امنیتی اصلی در محیط پیرامونی ایران محسوب می شود. وهابیت و سلفی گری به عنوان یک ایدئولوژی مذهبی افراطی منبع عمده گسترش تروریسم و تنش های مذهبی می باشد. عدم وجود دولت های مقتدر در افغانستان و پاکستان، عراق، سوریه افزایش تولید و ترانزیت مواد مخدر، مهاجرت ها و سایر موارد برای جمهوری اسلامی ایران تبعات نامناسبی داشته و علاوه بر مشکلات اقتصادی، اجتماعی پیامدهای امنیتی نیز به بار آورده است.

۱-۱- امنیت

۱-۱-۱ مفهوم امنیت

امنیت در لغت از ریشه «امن» به معنای «در امان بودن» و «مصون بودن» از هرگونه تعرض و در «آرامش و آسودگی» بودن از هرگونه «تهدید» و «ترس» است (معین، ۱۳۶۳: ۳۵۴).

ریشه لغوی این واژه از ثلاثی مجرد امن و با مشتقاتی همچون استیمان و ایمان می باشد که به اطمینان و آرامش در مقابل خوف، تفسیر، تعریف و ترجمه کرده اند که این تا اندازه ای زیادی قریب به واقعیت بوده و دو بعد ایجابی و سلبی در تعریف امنیت وجود دارد. از یک طرف اطمینان، آرامش فکری و روحی و از طرفی دیگر نبود خوف، دلهره و نگرانی که سبب سلب آرامش و اطمینان می شوند.

در فرهنگ عمید، امنیت به معانی ایمنی، در امان بودن، آسودگی، آرامش، بی ترسی، بی بیم شدن، اطمینان، آسایش و ضدخوف ذکر گردیده است. (نویدی نیا ۱۳۸۵: ۸)

امنیت از دیدگاه لارونی مارتین شامل تضمین رفاه آتی و از دیدگاه جان مورز، امنیت به معنای رهایی نسبی از تهدیدات زیان بخش می باشد. (بوزان، ۱۳۷۸، ۳۱)

۱-۲ ابعاد امنیت

به عقیده ی عده ای از صاحب نظران، به طور کلی امنیت ملی را می توان در شش دسته قرار داد که عبارتند از: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و فرهنگ.

بند اول: امنیت سیاسی

در بعد سیاسی امنیت ملی می توان ابعاد فرعی همچون ساختار، کارآمدی، ضعف و قدرت، امنیت دولت، میزان مشروعیت، مسئله قومیت ها و اقلیت ها در جوامع، احزاب، میزان نهادمندی جامعه مدنی در کشورها و شیوه مشارکت سیاسی را برشمرد. امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سیاسی و حفظ حکومت، موجودیت کشور و ملت، وحدت، انسجام و آشتی ملی و تعامل سازنده بین گروه ها و نخبگان سیاسی است. امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی دولت ها، سازمان های حکومتی و ایدئولوژیهای می باشد که بدان ها مشروعیت می بخشد. معمولاً تهدید سیاسی به عنوان زمینه ساز سایر تهدیدات و یا مکمل آن ها عمل می نماید. مقصود تهدید، امکان دارد از فشار بر روی حکومت در رابطه با سیاست خارجی گرفته تا سرنگونی حکومت، استقلال طلبی و برهم زدن بافت سیاسی دولت جهت ضعیف کردن آن قبل از تهاجم نظامی، مختلف باشد. به خاطر اینکه اصولاً دولت دارای موجودیتی سیاسی می باشد، در نتیجه ممکن است تهدید سیاسی به همان مقدار تهدید نظامی ترسناک باشد. امنیت سیاسی گواه بر موجودیت کشور و ملت، ثبات سیاسی و حفظ حکومت، اتحاد و آشتی ملی وحدت و تعامل سازنده بین گروه ها و خبرگان سیاسی می باشد. (پولادی و همکاران ۱۳۹۵: ۱۴۰-۱۴۴)



۱-۱-۳ امنیت داخلی

گویا امنیت داخلی بیش‌تر بر پایه‌ی یک تقسیم‌بندی جغرافیایی معرفی می‌گردد. به عقیده‌ی باری بوزان، امنیت داخلی بر مبنای معیار جغرافیایی، در نقطه مقابل امنیت خارجی تعریف گردیده و بر این اساس، تمام موضوعاتی که در حیطه‌ی قلمرو ملی وجود دارند را در بر می‌گیرد. از طرف دیگر امنیت داخلی و خارجی را همچنین سطوحی از امنیت ملی در نظر می‌گیرند. مطابق با این نگرش، هنگامی که امنیت خارجی متوجه تهدیدات ناشی از کشورهای رقیب یا دشمن می‌باشد، امنیت داخلی مربوط به براندازی و چالش از سوی گروه‌هایی بوده که اقتدار دولت را قبول نکرده‌اند. آسیب‌پذیری‌ها در امنیت داخلی از نقاط ضعف مزمنی نشأت گرفته که ساختار، امکانات و قابلیت‌های موجود نتواند جوابگوی آنها باشد. دو دیدگاه انفعالی و ایجابی در تعریف امنیت داخلی قابل تشخیص می‌باشد؛ در دیدگاه اول، ولفرز و افرادی که طرز تفکری همچون او داشتند، امنیت داخلی را فقدان اجبار، فقدان خطر خارجی، برطرف شدن احتیاجات خارجی و یا ترکیبی از آنها دانسته‌اند که نائل آمدن بدان برعهده‌ی دولت می‌باشد؛ ولی دومین دیدگاه که منسوب به صاحب‌نظرانی مانند رابرت ماندل بوده، امنیت داخلی را تحت عنوان حس رضایتمندی و آرامش خیال معرفی می‌نماید؛ بنابراین امنیت داخلی بدون شک قسمتی از امنیت ملی می‌باشد که تاحدودی با موجودیت‌های داخلی در ارتباط بوده و غالباً امنیت حاکمیت را نیز شامل می‌شود. مرجع امنیت داخلی معمولاً حکومت، یا به عبارتی دیگر هسته مرکزی حاکمیت انگاشته می‌شود. از دیگر روی، پلیس و نهادهای اطلاعاتی در فراهم کردن امنیت داخلی نقش بسزایی دارند؛ هرچند که از عملکرد ارتش در اوضاع بحرانی که تهدید امنیت داخلی علل و عواملی خارجی دارد نیز نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. ارتش می‌تواند دارای عملکردی منفی هم باشد، بخصوص در کشورهای غیر دموکراتیک که امکان دارد با دفاع از حاکمیت مرزهای امنیت فردی و امنیت اجتماعی را نیز بیماید. داشتن چنین کارکردی می‌تواند بر ضد امنیت ملی و به دنبال آن، امنیت داخلی در نظر گرفته شود. این عملکرد منفی همچنین از سوی پلیس و نهادهای اطلاعاتی دور از ذهن نمی‌باشد. (نوید نیا ۱۳۸۴: ۴۵).

۱-۱-۴ امنیت منطقه‌ای

امنیت منطقه‌ای به گروهی از کشورها اطلاق می‌شود که با همدیگر قرابت جغرافیایی و همکاری‌های مستقیم و یا غیرمستقیم امنیتی دارند. امنیت به‌عنوان نشانه‌ای که به چیزی خیلی واقعی اشاره دارد در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه بیان امنیت خودش گونه‌ای اقدام و عمل بوده و با گفتن آن، چیزی انجام گردیده است. امنیت عمل خود مرجع می‌باشد، زیرا در خود عمل بوده که یک موضوعی به موضوعی امنیتی تبدیل می‌گردد. روند امنیتی چیزی است که در تئوری زبان تحت عنوان عمل گفتاری نام گرفته است.

ثبات امنیتی در هر واحد سیاسی از طریق بالابردن قدرت ملی و برقراری توازن و تعادل در عوامل تشکیل‌دهنده آن امکان‌پذیر بوده و چنانچه افزایش یکی از این عوامل با افزایش سایر عوامل متناسب نباشد، می‌تواند موجب تهدید در امنیت گردد. امروزه به دلیلی ویژگی‌های گسترده امنیت، برای حفظ آن باید از سوی کشورها، تلاش‌های چند جانبه صورت می‌گیرد. (قرشی، ۱۳۹۵، ۱۲۶)

با توجه به اینکه امنیت منطقه‌ای یکی از چارچوب‌ها و متغیرهای اصلی این طرح را تشکیل می‌دهد در این پژوهش بیشتر و مفصل‌تر به آن می‌پردازیم.



مفهوم امنیت منطقه‌ای در کنار امنیت ملی در ادبیات روابط بین‌الملل ترویج یافته است، زیرا نمی‌توان امنیت هیچکدام از کشورها را بدون امان نظر به الگوهای وابستگی متقابل امنیتی در سطوح فراملی مورد توجه قرار داد. چنین مفهومی از امنیت، مجموعه کلیه پنداشت‌ها و تعبیراتی از امنیت ملی (تصویرهایی از تهدیدات خارجی) می‌باشد که اعضای یک سیستم منطقه‌ای در زمان مخصوصی از آن استفاده می‌کنند. این پنداشت و تعبیر به صورت معکوس، بقا شیوه‌هایی در هم آمیخته بوده که حکومت‌های یک منطقه در زمانهای مشخصی آن را جهت تضمین استقلال و مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی مورد استفاده قرار می‌دهند. در تعریفی مشخص، امنیت منطقه‌ای که بر پایه‌ی آن، واحدهایی که یک منطقه را تشکیل می‌دهند مطابق با نگرانی‌ها و درک و پنداشتی مساوی از تهدید، جهت تأمین و بقای امنیت خویش، قوانین و ساز و کارهای مشخصی را می‌پذیرند. (عسگری، ۱۳۸۲، ۵۶)

زمانیکه کشوری، به دو اطراف کشور دیگری حمله می‌کند و آن را مورد تهاجم قرار می‌دهد، در این حالت امنیت منطقه‌ای آن کشور همجوار را نیز بر هم زده است.

۵-۱ نظریه بوزان و مفهوم امنیت منطقه‌ای

مفهوم امنیت منطقه‌ای برای اولین مرتبه بوسیله‌ی باری بوزان در کتاب «مردم، دولت‌ها، هراس» عنوان شد. او بر این عقیده است که بدین سبب که سطوح تحلیلی ملی و بین‌المللی چندان جهت تجزیه و تحلیل مسائل مربوط به مناطق مناسب نمی‌باشند، بنابراین وجود یک سطح تحلیل میانه برای این امر ضرورت دارد. بوزان مقصود از ارائه سطح تحلیل میانه را کوششی به منظور پر کردن روزنه مابین سطح دولت و سیستم نظام بین‌الملل، در نظر دارد. او با انتقاد از نگرش سنتی درمورد امنیت، به توسعه‌ی جنبه‌های امنیت مبادرت ورزیده و آن را از حالت تک‌بعدی قدرت، به خصوص نظامی - محور بودن درآورده و ابعادی چندگانه و ذهنی بدان بخشیده است. بوزان پس از آن با اندک دانستن سطوح تحلیل دولت و سیستم، اقدام به ایجاد یک سطح تحلیل میانه بوسیله‌ی هویت بخشی به سیستم‌های منطقه‌ای می‌نماید. (بوزان، ۱۳۷۸، ۲۱۲)

بنا بر تئوری بوزان، امنیت منطقه‌ای والاتر از موقعیتی صرف و پایدارتر از جنگ یا رویارویی ویژه می‌باشد. امنیت منطقه‌ای بدین برداشت اشاره داشته که در مناسبات امنیتی، گروهی از کشورها که حدود جغرافیایی، آنان را در مجاورت و پیوند با یکدیگر قرار داده است، حوزه‌ها و زیر سیستم‌های عمده‌ای موجود می‌باشد. در هر صورت همچون مفهوم امنیت، این مفهوم هم در پرده‌ی ابهام قرار دارد. در صورتیکه کارولین توماس در تشریح امنیت منطقه‌ای چنین بیان می‌دارد: اکثر مسائل و مشکلاتی که جهان سومی‌ها با آن روبرو می‌باشند، از ماهیت منطقه‌ای برخوردار بوده و به گونه‌ای بالقوه توسط راهکارهای منطقه‌ای قابلیت حل شدن دارند. مطالعات منطقه‌ای به چارچوب مشخصی نیاز دارد که اجزاء و تعاملات داخلی موجود در مناسبات متقابل بین آن‌ها، بتواند در داخل آن چارچوب معرفی گردد. فلذا منطقه یک زیر سیستم بین‌المللی می‌باشد و بنابراین امنیت منطقه‌ای نمی‌تواند بیرون از حیطه‌ی تعامل بین سیستم‌های بین‌المللی و تحولات منطقه‌ای تحت بررسی قرار بگیرد. با امان نظر به اینگونه تعامل، تئوری سنتی زیر سیستم در رابطه با موازنه قوای محلی، با وجود اینکه قسمت مهمی از امنیت محیطی به شمار می‌رود ولیکن به عقیده‌ی بوزان هیچگاه کارآمد واقع نمی‌شود، چرا که جنبه‌ی خاصی از قدرت که مبنی بر آن پویایی قدرت بزرگ قویاً جنبه‌ی محلی آن را مخفی نموده، محدود مانده است.

به‌طور مثال امنیت منطقه‌ای خاورمیانه می‌تواند در یک متن تلفیقی از بافت‌ها و شرایط اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و محیطی، مورد بحث قرار گیرد. همچنین این امنیت می‌تواند در تعامل داخلی دولت‌ها یا سطح بین‌المللی تعریف گردد.



در سطح منطقه‌ای، امنیت منطقه‌ای می‌تواند تحت عنوان بخش‌های عام اعضای دولت‌ها و نیازهای امنیت ملی مورد بررسی قرار بگیرد. در سطح بین‌المللی، امنیت منطقه‌ای می‌تواند تحت عنوان زیر مجموعه یک سیستم امنیت بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد (بوزان، ۱۳۷۸: ۴۵-۶)

بوزان با انتقاد دیدگاه از نگاه حداقلی به امنیت در رویکرد سنتی که امنیت را در قدرت نظامی می‌دیدند و آن را محوری می‌پنداشتند، امنیت را به بُعدهای نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی توسعه بخشید. او به عللی که ذیلاً ذکر گردیده اند، بر این باور بوده که مفهوم امنیت به گسترش نیازمند است:

۱- ازدیاد سطح ارتباطات فیما بین کنشگران نظام بین‌الملل سبب تحول و ایجاد دگرگونی در ظاهر تهدیدها شده و اقسام دیگری از تهدیدها غیر از تهدیدهای نظامی گسترش یافته است.

۲- ویژگی سیاسی امنیت، دومین دلیل او جهت گسترش مفهوم امنیت می‌باشد. به عنوان مثال، مفهوم امنیت موسع سبب ممانعت از اختلافات بین رئالیست‌ها و آرمان‌گرایان می‌گردد، چرا که از طرفی سبب فراهم شدن فضای صلح برای بازیگرانی که خواهان صلح هستند، می‌گردد ولی از طرف دیگر به بازیگرانی که طالب سلطه بر سایرین هستند، مجال چندانی نخواهد داد.

۳- دلیل سوم به خصیصه‌ی چند بُعدی بودن امنیت از نظر فکری اشاره دارد. بر این مبنا، مفهوم امنیت به عنوان پیوند دهنده بین تئوری و تحلیل اقدام نموده و نظریه‌ی مناسبات بین‌الملل، اقتصاد سیاسی بین‌المللی، بررسی‌های منطقه‌ای، بررسی‌های استراتژیک و دیگر حوزه‌های سیاست را به هم پیوند می‌زنند. (خانی، ۱۳۹۰، ۱۴۲-۱۴۳)

بوزان با توسعه‌ی جنبه‌های مفهوم امنیت، به منظور ایجاد تفکیک بین مباحث امنیتی و غیر امنیتی، دو ملاک را پیشنهاد می‌کند: در ابتدا مسئله موردنظر می‌بایست طوری عمل نماید که مبدا حیات شهروندان جامعه را با خطر مواجه کند و در ثانی مسئله بایستی بیرون از دایره‌ی قواعد و قوانین موجود باشد، به عبارت دیگر کنترل آن با استفاده از موازین قانونی امکان‌پذیر نباشد.

۲-۲ تهدیدات امنیتی ایران در مرزها (وجود گروه‌های تروریستی)

۲-۲-۱ تهدیدات امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران (گروه تکفیری داعش)

ایران با اتخاذ استراتژی دفاع تهاجم که همزمان هم حالت دفاعی و هم تهاجمی خود را حفظ می‌کند به دنبال این است که وضعیت موجود را حفظ کند و با دخالت کشورهای منطقه، به دنبال خنثی کردن سیاست‌های آنها در سوریه است. به این صورت ایران از اتخاذ دفاع همه جانبه و منفعل در برابر هجوم سخت افزاری و نرم افزاری غرب خودداری می‌کند، در عوض همزمان با اتخاذ حالت دفاعی و تبدیل کردن سوریه به یک سد دفاعی محکم، با توجه به موقعیت ژئوپولیتیک و استراتژیک سوریه، سیاستهای تهاجمی خود را نیز به صورت غیر مستقیم تلاش دارد به کار ببندد تا بتواند از هزینه سنگین دفاعی خود بکاهد.

در این زمینه می‌توان اهمیت کشور سوریه را برای جمهوری اسلامی ایران در جهت حفظ امنیت خود در مرحله اول در منطقه پراشوب خاورمیانه و مبارزه با گروههای تروریستی فعال در کشور سوریه دانست. استراتژی دفاع تهاجم ایدئولوژیک، استراتژی این است که، وضعیت پایدار ایران در مداخله‌ی سوریه را در معرض نمایش گذارد. رهبر ایران بارها



اعلام کرده است برای تغییر استراتژی فشار بر ایران، باید ایران نیز تمام توان خود را برای تحت فشار قرار دادن و تهدید کردن دشمنان استفاده کند.

ایران سوریه را، خط مقدم مبارزه برای امنیت خود میداند و رهبران ایران اعلام می کنند ما اگر در سوریه با دشمن نجنگیم باید در مرزهای خود با دشمن بجنگیم. ایران علاوه بر این که با شکست سیاست های در سوریه یک ضلع مثلث مقاومت را از دست می دهد، از سوی گروه های تکفیری نیز تهدید می شود و احتمال ورود این گروه ها به داخل مرزهای ایران وجود دارد. (عارف خانی، ۱۳۹۶: ۵۸-۵۷)

بنابراین تحولات عراق و سوریه و به خصوص حضور داعش در عراق از دو جهت امنیت ملی ایران را تحت تأثیر قرار می دهد. اول، حضور نظامی داعش و دوم، حضور مجدد نیروهای غربی در کشور عراق به بهانه مبارزه با گروه تروریستی داعش. مسلماً حضور نظامی گروهی همانند داعش در دو کشور همسایه و متحد ما و در پی آن بی ثباتی شدید این کشورها بر امنیت ملی ما تأثیرات مخربی بر جای می گذارد. گرچه گروه داعش توانایی مقابله نظامی با ایران را ندارد، اما تهدیدی که در این زمینه وجود دارد آن است که آنها با بهره گیری از برخی نارضایتی های اجتماعی، قومی و اقتصادی در مناطق غرب ایران، زمینه را برای فعالیت های خود فراهم کنند. در دنیای مدرن امروز تحولات سایر کشورها حتی در فواصل بسیار دور تأثیرات پایداری بر سایر کشورهای جهان باقی می گذارد حال آن که بی نظمی و بی ثباتی در کشورهای همسایه و منطقه ای به مراتب تأثیرات مخرب تری را بر جای می گذارد. هرج و مرج و بی ثباتی کشورهای عراق و سوریه می تواند معضلات و مشکلاتی هم چون هجوم پناهندگان، اختلال در تجارت اقتصادی و معضلات زیست محیطی، گسترش ناامنی و تروریسم و... را بر جای گذارد. حال تصور کنید این گروه تروریستی با این مرام نامرام بر عراق و شام تسلط یابد، وجود چنین تصویری نیز وحشتناک است.

در صورت تحقق چنین فرضیه ای احتمال این که یک جنگ تمام عیار منطقه ای در خاورمیانه شکل بگیرد بسیار زیاد است که در این صورت بی شک ایران یک پای این جنگ خواهد بود. داعش جزو یکی از ثروتمندترین سازمان های تروریستی جهان است که با فروش نفت، مالیات و غنیمت های بانکی و

محلی ارتزاق کرده و به صورت تصاعدی تبدیل به ثروتمندترین سازمان تروریستی شده است؛ از این رو این ثروت بادآورده توان مالی کافی به داعش می دهد تا بتواند از طریق غیرقانونی به تسلیحات متعارف و حتی غیر متعارف دست پیدا کند. در واقع، داعش بازیگری بی منطق، ساختارشکن و فراینادگرا است که اگر به صورت غیرقانونی به سلاح های کشتار جمعی دسترسی پیدا کند از آن برای نابودسازی دشمن شیعی خود استفاده خواهد کرد. به این دلیل که ایدئولوژی داعش بیشتر آنتی شیعیسم است تا آنتی غربیسم. (نجات ۱۳۹۶: ۱۰۷-۱۰۸)

۲-۲-۲ تهدیدات در بُعد نظامی

کلاسیک ترین برداشت از مفهوم امنیت است که در دوران جنگ سرد نیز به لحاظ ساختار دوقطبی [و رقابت دو بلوک، حائز اهمیت بود. بعد از جنگ سرد، از اهمیت این بُعد کاسته نشد؛ اما به نوعی، عملکردش در بحران های منطقه ای بالکان نمایانگر پذیرش سایر ابعاد امنیت همچون امنیت اجتماعی در کنار بُعد مزبور بود

در نگاه کلی تهدیدات نظامی، مرکز سنتی نگرانی ها مربوط به امنیت ملی است. معمولاً اقدام نظامی می تواند همه اجزای دولت را تهدید کند و در عمل نیز این گونه است (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۴۱).



بی‌تردید به‌منظور رخ‌نمایی توان بازدارندگی و نظامی، ایران باید هزینه‌های فراوانی را چه در حوزه مرز و چه در حوزه نزدیک به مرز متحمل شود. اساساً وارد شدن به جنگ نظامی و عینی شدن هزینه‌ها و ظرفیت‌های بسیاری را مشغول خود می‌سازد و در نگاهی فرض‌گرایانه در صورت مواجهه نظامی ایران با داعش، در بعد نظامی تهدیدات فراوانی با توجه به تجارب صحنه‌ای داعش از نبرد در چند کشور هم‌جوار ایران، متصور است.

همواره یکی از دغدغه‌ها و مسائل امنیتی ایران، حفظ امنیت نسبی در هیاهوی بی‌نظمی و ناامنی کشورهای همسایه و هم‌جوار بوده است. تاریخ ایران پر از حادثه بوده است؛ این واقعیت جزء متواترات تاریخ ماست. برحسب آمار حدود ۱۲۰۰ جنگ با مقیاس بزرگ و هزاران جنگ منطقه‌ای و محلی در تاریخ ایران رخ داده است (فراستخواه، ۱۳۹۴: ۱۲۴). صرف‌نظر از ضعیف یا قوی بودن دولت، همواره هزینه‌های سنگین انسانی و اقتصادی اقدامات نظامی به قوت خود باقی هستند (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۴۱).

اما دیدگاه «فرصت‌محور» رویکردی دیگر به تأثیر پدیده داعش بر امنیت نظامی ایران دارد. می‌توان عنوان داشت که عملیاتی شدن آموزش‌ها و آگاهی از انواع استراتژی‌ها و تاکتیک‌های جنگ شهری و چریکی در صحنه نبرد، به رخ کشیدن قابلیت‌های مستشاری نیروهای نظامی ایران، عملیاتی کردن آموخته‌های نیروهای جدید و جوان که امکان تجربه‌اندوزی از میدان‌های نبرد نظیر جنگ تحمیلی را نداشتند، افزایش مانورهای گسترده نظامی با هدف ارتقاء توان بازدارندگی، از آن جمله است.

۳-۲-۲ تهدیدات در بعد سیاسی

در حوزه امنیت سیاسی شاید برجسته‌ترین ابعاد امنیت سیاسی، بحث حاکمیت و نهادهای برآمده از آن باشد همواره تهدید سیاسی متوجه ثبات سازمانی دولت است. هدف از تهدید ممکن است از فشار بر حکومت در مورد سیاست خاصی گرفته تا واژگونی حکومت، جدایی‌طلبی و برهم زدن بافت سیاسی دولت برای تضعیف آن پیش از تهاجم نظامی، متفاوت باشد. ایده دولت، به‌خصوص هویت ملی و ایدئولوژی سازمان‌دهنده و نهادهایی که نمود آن هستند، اهداف عادی تهدید سیاسی به شمار می‌روند. چون دولت اصولاً موجودیتی سیاسی است، تهدید سیاسی امکان دارد به همان اندازه تهدید نظامی هراس‌انگیز باشد. تهدید سیاسی از افکار و سنت‌هایی که توجیه اصلی آنارشی بین‌المللی محسوب می‌شود، ناشی می‌گردد. نظر به بنیادی بودن تعارضات این ایدئولوژی‌ها، دولتی که طرفدار یکی از آنهاست از آن‌هاست از جانب سایرین احساس تهدید می‌کند. رقابت بین ایدئولوژی‌ها، بسیار پیچیده است. این امر، تعریف دقیق تهدید جدی سیاسی در سطحی را که شایسته عنوان امنیت ملی باشد، با مشکل مواجه می‌سازد؛ در این بین، تهدیدات هویت ملی واضح‌تر است. این نوع تهدید شامل تلاش برای گسترش جدایی هویت فرهنگی و قومی بین گروه‌ها در کشور هدف است. لازم است بین موارد عمده تهدید سیاسی اعم از ایدئولوژیکی یا ملی و مواردی که صرفاً ناشی از اثر راه‌های جایگزین خارجی بر مشروعیت دولت‌هاست، تفکیک قائل شویم (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۴۳-۱۴۴).

در خصوص داعش، نگاه به آرمان‌های اعلام‌شده از سوی آن و اندیشه‌های سیاسی که برمدار آن رشد یافته، نمایانگر قصد براندازی حکومت‌های ملی و قائل بودن به حاکمیت اسلامی منطقه از منظر این جریان تکفیری است. از طرفی مسئله قومیت و افراط‌گرایی قومی همواره تهدیدی برای کشورهای درگیر با این پدیده محسوب می‌شود. در این بین، مسئله تجزیه‌طلبی یکی از مقوله‌های تهدیدکننده متداول امنیت کشورهای نظیر ترکیه، عراق، سوریه و ایران است. نکته‌ای که به نظر می‌رسد باید نگاه‌های کلان، به‌صورت عمیق، مسئله تهدید داعش را تحلیل نماید؛ این مسئله است که با فرض عملی شدن تهدید داعش و



ایجاد بی‌نظمی در مرزهای ایران، چه واکنشی از سوی گروه‌های تجزیه‌طلبی نظیر جیش‌العدل، پژاک، خلق عرب که بعضاً زمینه‌های همگرایی با تروریسم بین‌الملل را دارند، شاهد خواهیم بود؟

در قیاس با کشورهایی که ذکر شد، کردها در عراق، نقش پیچیده‌تری در امنیت کشور ایفا می‌کنند که بر امنیت همسایگان آن نیز تأثیر می‌گذارد. در حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد از جمعیت عراق را کردها تشکیل می‌دهند و آنان در میان گروه‌های اولیه‌ای قرار دارند که برای ایجاد حکومت فدرال در عراق، دولت این کشور را تحت فشار قرار می‌دهند. از سوی دیگر، بنا بر شواهد موجود در چند سال اخیر به احتمال فراوان پ.ک.ک و پژاک در بزنگاه‌های حساس به صورت متحد تهدیدی برای کشورهای درگیر با این موضوع عرض‌اندام خواهند کرد که در نتیجه موجب تضعیف انسجام دولت‌های ایران، عراق و ترکیه خواهند شد. ساختار فکری و عملی داعش مبتنی بر قرائتی تجهیززی و ایدئولوژیک از اسلام است که دارای ریشه‌های تاریخی و عقیدتی و پشتوانه فکری رادیکال در تاریخ اسلام، منابع مادی-انسانی و آگاهی گسترده از عوامل جغرافیایی-سیاسی است و برای استمرار بنیان‌های فکری خود به دنبال بهره‌گیری از راهبرد دولت‌سازی است

شاید داعش در واقعیت، بنیان‌های فرضی برای تشکیل حکومت را داشته باشد و برخوردار از سه عامل تشکیل‌دهنده آن (سرزمین، جمعیت و حکومت) باشد؛ اما به دلیل نبود عنصر «حاکمیت و شناسایی» نتوانسته است به عنوان دولتی مستقل ظهور یابد. نکته مهم‌تر اینکه، داعش بیش از اینکه تشکیل دولت داشته باشد، درصدد ارائه الگویی متفاوت از ساختار کنونی نظام بین‌الملل و اعاده ساختار خلافت است. (اشرف نظری و السیمری، ۱۳۹۴: ۸۰).

پروژه البغدادی برای تحقق استراتژی سازمانی داعش دارای سه مرحله است: مرحله اول یا همان مرحله صولت (تاخت‌وتاز)، مرحله درگیری با رزمندگان گروه‌های دیگر و سپس مرحله گرفتن بیعت اجباری از تمامی رزمندگان در مناطق تحت نفوذ خود است. چنین کاری بر مبنای عقیده اسلامی در (حرمت تعدد پرچم‌ها در زمان تشکیل دولت اسلامی است؛ یعنی برپایی هر سازمان دیگر یا گروه‌ها و احزاب که هنوز با البغدادی بیعت نکرده و در زیر سلطه وی نیستند، حرام است؛ چراکه تشکیل چنین گروه‌هایی دولت اسلامی فرضی را ضعیف می‌سازد.

۲-۳- ایجاد چالش‌های امنیتی برای ایران از ناحیه ی طالبان

ایران در محیط پیرامونی خود خصوصاً مرزهای شرقی همواره با چالش‌ها و مشکلات متعدد و مداوم روبرو بوده و در حال حاضر تروریسم و افراط‌گرایی، دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار و همچنین مداخلات قدرت‌های فرا منطقه‌ای خصوصاً در مرزهای شرقی سه چالش امنیتی اصلی در محیط پیرامونی ایران محسوب می‌شود. وهابیت و سلفی‌گری به عنوان یک ایدئولوژی مذهبی افراطی منبع عمده گسترش تروریسم و تنش‌های مذهبی می‌باشد. عدم وجود دولت‌های مقتدر در افغانستان و پاکستان، افزایش تولید و ترانزیت مواد مخدر، مهاجرت‌ها و سایر موارد برای جمهوری اسلامی ایران تبعات نامناسبی داشته و علاوه بر مشکلات اقتصادی، اجتماعی پیامدهای امنیتی نیز به بار آورده است:

۲-۳-۱ مساله قاچاق چالشی امنیتی

بحران مواد مخدر جهان کنونی در کنار بحران‌های دیگر مانند قاچاق اسلحه و انسان، بیماری ایدز و از جمله مهمترین دغدغه‌های بشریت است. سوداگری مواد مخدر بعد از تجارت نفت و اسلحه بالاترین حجم تجارت جهانی را تشکیل می‌دهد. مواد مخدر از جمله تهدیدات بزرگی است که امروز در منطقه وجود دارد و متأسفانه در مرز مشترک کشور افغانستان و پاکستان بیشترین نمود را یافته است



مرزهای افغانستان حدود ۵۸۰۰ کیلومتر می باشد که از طرف مغرب با جمهوری اسلامی ایران مرز مشترک دارد این مرز بین ۹۰۰ تا ۹۳۶ کیلومتر نقل شده است. مرز جمهوری اسلامی ایران و افغانستان که از ملک سیاه در نقطه مرزی مشترک ایران و افغانستان و پاکستان شروع می شود و تا دهانه ذوالفقار نقطه مرزی مشترک ایران و ترکمنستان و افغانستان امتداد می یابد. کشور افغانستان ۴۶۰ کیلومتر با استان خراسان جنوبی مرز مشترک دارد. (صدیق فرهنگ ۱۳۸۰ : ۷)

مواد مخدر کلیه بخش های جامعه را تحت الشعاع قرار می دهد و بویژه استعمال مواد مخدر، آزادی و رشد جوانان یعنی مهمترین دارائی و ثروت جهانی را خدشه دار می سازد. مواد مخدر خطر بزرگی برای سلامت و رفاه انسان ها، استقلال کشورها، دموکراسی، ثبات ملت ها، ساختار کلیه جوامع و منزلت میلیون ها انسان امیدوار و خانواده های آنان به شمار می آید. پس میتوان گفت که مواد مخدر زندگی، جوامع و توسعه پایدار انسان ها را نابود می سازد و موجب جرائم می گردد. عمده قاچاق مواد مخدر از دو منطقه معروف به مثلث طلایی و هلال طلایی از آسیا به بازارهای جهانی ترانزیت می شود و بررسی های انجام شده حاکی از آن است که بیش از ۹۴٪ کل تولید مواد مخدر جهان نیز در این مناطق صورت هلال طلایی گسترده ترین و اصل ترین منطقه کشت مواد مخدر در جهان نیز در این مناطق صورت می گیرد. هلال طلایی گسترده ترین و اصل ترین منطقه کشت مواد مخدر در جهان محسوب میشود و در کشورهای پاکستان و افغانستان است. بر اساس گزارش های رسمی سازمان ملل در سال ۲۰۰۷ میزان تولید مواد مخدر در افغانستان ۷۸۰۰ تن اعلام شده است و میزان دپوی این مواد در این کشور تا ۱۲۰۰ تن تخمین زده شده است. قرار گرفتن ۲۷٪ از کل زمین های زیر کشت خشخاش جهان در افغانستان و تولید ۵۸٪ مواد مخدر جهان در این کشور و تهدید عام ناشی از قاچاق و مصرف مواد مخدر را برای جمهوری اسلامی ایران به تهدیدی خاص بدل ساخته است.

بنابر آمار موجود، تعداد زندانیان مواد مخدر در حال حاضر ۴۸٪ کل زندانیان کشور را تشکیل می دهد که با توجه به رقم ۱۵۰۰۰۰ هزار نفری کل زندانیان، قریب ۷۲۰۰۰ نفر از آنها را زندانیان مواد مخدر تشکیل می دهند. در این استان خراسان بیش از نیمی از زندانیان را زندانیان مواد مخدر تشکیل میدهند و در طول سال های اخیر آمار معتادان استان علیرغم تمام اقدامات پیشگیرانه در حال افزایش بوده است و تعداد مراکز ترک اعتیاد به ۴۳ مرکز رسیده است. استان خراسان جنوبی با عنایت به داشتن مرزهای طولانی با کشور افغانستان، بزرگترین تولید کننده مواد مخدر و همجواری با استان سیستان و بلوچستان همواره قربانی آسیب های مواد مخدر بوده است.

بحث عبور و ترانزیت مواد مخدر در قالب کاروان های موتوری و خودرویی از حد فاصل کویر این استان به استان های مرکزی و مرزهای غربی، موضوع حمل و نقل مواد با جاسازی در خودروهای سنگین و عبوری در مسیر جاده های این استان و دسترسی راحت تر مصرف کنندگان مواد مخدر به آن در این استان از جمله مواردی است که آسیب های ناشی از آن به نظم و امنیت استان، تاثیر گذار است. (شجاعی نسب و ثلاثی ۱۳۹۲ : ۳۵۰-۳۵۱)

هرچند در سال های اخیر با توجه به اقدامات چشمگیر نیروی انتظامی در مرز و مناطق کویری از شدت این امر کاسته شده است لکن آسیب های ناشی از این موضوع کماکان در سطح استان مشاهده می شود. قریب به اتفاق جرائم سرقت خصوصا سرقت های خرد توسط معتادین و جهت تامین هزینه اعتیاد آنان انجام می شود و در این راستا امنیت عینی و ذهنی شهروندان را برهم می زند. لذا با توجه به اثرات زیانبار و خانمان سوز این ماده افیونی و آسیب ها و تهدیدهایی که از این منظر به افراد و خانواده ها وارد شده و نظم و امنیت را در استان تحت الشعاع خود قرار می



دهد لازم است مسئولین محترم با درک عمق فاجعه اقدامات اساسی و همه جانبه را جهت برخورد با این معضل و مدیریت آن در دستور کار قرار خواهند داد.

۲-۳-۲ چالش امنیتی افراط گرایی و رواج آن

نا امنی یکی از عوامل بنیادین در عقب مانده نگه داشتن ی ک کشور محسوب می شود . زیرا در پرتو امنیت نخبگان، دانشمندان، پژوهشگران و صنعتگران راه را برای پیشرفت و سازندگی یک ملت هموار می کنند. امروز در بسیاری از کشور های منطقه مهمترین بحران داخلی، هرج و مرج و درگیری های قومی و مذهبی می باشد. گروهک تروریستی جندالله در سال ۲۰۰۲ میلادی با مبنای ایدئولوژی افراطیون سنی و گرایشات وهابی تاسیس شد . و عملیات مسلحانه خود را در پاکستان و افغانستان علیه جمهوری اسلامی ایران که یکی از کش ورهای با ثبات امنیتی خوب محسوب می شود آغاز کرد . (ماهنامه ۱۳۸۹ : ۲)

بی شک برپایی اعتقادی گروهک تروریستی جندالله حاصل اندیشه های منحرف سلفی و وهابیت است . وهابیت یکی از جبهه های بزرگ در مقابل جهان تشیع و کانون آن در عربستان سعودی است. اساس این فرقه آن است که بجز اندیشه وهابیت هیچ گروه و مسلک و مذهبی را در اسلام حلال نمی دانند و باقی را مظهر کفر می پندارند. امروزه عقاید افراطی و خارج از عقل این فرقه به یکی از پایه های تفرقه در جهان اسلام و بویژه در حوزه استراتژیک خاور میانه تبدیل شده و راه را برای کشور های سود جوی غربی، که تنها در جستجوی منافع ملی خود هستند هموار کرده است. تنش قومی در ایران هدف راهبردی غرب بوده و نگرش در پیشینه سیاست های استعماری بریتانیا، این نکته را هویدای کند که تحریم قومیت های داخل ایران و حمایت از شورشیان محلی در جهت پروژه ملیت سازی از اقوام ایرانی از اهداف اصلی این کشور در طول تاریخ استعمار بریتانیا محسوب می شود. بررسی ها و رویداد های چند سال اخیر نشان می دهد که کشورهای افغانستان و پاکستان به کانون تبلیغ وهابیت و افراط گرایی، قومی و مذهبی تبدیل شد است و عمق فاجعه را می توان در درگیری های مکرر قومی و مذهبی، درگیری های منطقه ای، کشتار شیعیان خصوصا در پاکستان و محدودیت های اعمال شده دانست. همجواری استان خراسان جنوبی با افغانستان از یک طرف و همسایگی با استان سیستان و بلوچستان که با کشور پاکستان هم مرز می باشدو سر ریز نامنی های استان سیستان و بلوچستان ناشی از همجواری با پاکستان و وضعیت خاص قومی و مذهبی این استان نیز است از سوی دیگر می تواند این استان را از منظر افراط گرایی قومی و مذهبی مورد تهدید قرار دهد. سابقه تاریخی نشان می دهد برادران اهل تسنن در این استان سالیان مدیدی در کنار برادران اهل تشیع با تکیه بر اشتراکات در کنار هم زندگی کرده اند و کمترین مشکل امنیتی از این منظر وجود نداشته باشد .

است. لکن با توجه به سیاست های استعماری و شیطانی دشمنان این کشور متأسفانه در چند سال اخیر موضوع تبلیغ وهابیت و اختلاف افکنی بین برادران اهل سنت و تشیع در دستور کار آنها قرار گرفت. جماعت های تبلیغی، جلسات زیر زمینی، تکفیر شیعیان و قرار دادن آنها در مقابل حاکمیت و زیاده خواهی و اختلاف

افکنی از جمله موضوعاتی است که بطور خاص پیگیری می شود. خرید زمین، چاه های کشاورزی، اسکان افراد معلوم در نقاط مختلف با هدف تغییر بافت جمعیت منطقه از جمله موضوعاتی دیگری است که دنبال می شود. لذا در این خصوص می بایست توسط مسئولین محترم استانی در جلسات تخصصی اقدامات پیشگیرانه انجام و خاصه توسط نخبگان و روشنفکران اهل تسنن



و تشیع اقدامات اساسی در مقابل تفکرات الحادی و مضره انجام شود زیرا تهدید دشمنان اسلام و مسلمین جدی است و دو د حاصله از این آتش مسموم به چشم همگان خواهد رفت. (همان ۳۵۱)

۳-۲- افزایش پناهندگان افغانی و مشکلات امنیتی - اقتصادی

کشورهای واقع در یک حوزه ی جغرافیایی به حکم مؤلفه هایی همچون جغرافیا، تاریخ، اقتصاد و فرهنگ بر همدیگر تاثیر می گذارند و از هم تاثیر می پذیرند. نگاه عمیق به تحولات جمهوری اسلامی ایران و افغانستان نشان می دهد که این دو کشور به علت همسایگی، مسایل تاریخی، فرهنگی، زبانی و دینی از یکدیگر متأثر می شوند. به عنوان مثال جنگ داخلی در افغانستان به بی ثباتی در مرزهای ایران و ورود مهاجرین افغان به ایران انجامید. پس باید گفت یکی دیگر از چالش های امنیتی افغانستان برای ایران که از مشکلات کشور ایران بوده و از گذشته های دور تا به امروز با آن دست به گریبان بوده و هنوز نیز می باشد، اوضاع آشفته کشور افغانستان است. این کشور در همسایگی ایران و پاکستان قرار گرفته و مرزهای طولانی با هر دو کشور دارد. وجود

ثبات و امنیت در افغانستان به عنوان همسایه مشترک دو کشور از دغدغه های اساسی ایران و پاکستان است. کشور ایران جمعیت کثیری از پناه جویان افغانی را پذیرفته که به علت وجود ناامنی در افغانستان و نبود زیر ساخت های اقتصادی جهت ادامه معیشت قادر به بازگشت به کشور خود نیستند و این امر هزینه سنگینی را به کشور تحمیل ساخته است. هم چنین وجود ناامنی داخلی در افغانستان تأثیر به سزایی بر امور امنیتی کشورمان خواهد داشت و زمینه ساز به وجود آمدن بحران امنیتی خواهد شد. (احمدی پور ۱۳۹۰: ۵۰۲)

مهاجرت افغان ها به ایران غیر از مشکلات سیاسی در ابعاد بازار اشغال، ایجاد جرم و خیانت و فعالیت های خارج از عرف و قانون، جامعه کنونی کشور را با چالش های اساسی و جدی روبرو می کند
به اعتقاد کارشناسان امور اجتماعی حجم وسیع قاچاق مواد مخدر و ناامنی در مرزهای شرق کشور، وقوع سرقت ها و قتل های متعدد با ورود اتباع غیر مجاز به کشور و استان شدت یافته است و از چندی نیز شاهد مشکلات بهداشتی ناشی از ورود این افراد و شیوع بیماری های واگیر دار در جامعه هستیم. شرایط مساعد برای کار، زندگی و تابعیت فرزندان سبب شده است بسیاری از مهاجران افغانستان سکونت در ایران را ترجیح دهند و به هیچ قیمتی حاضر به بازگشت به کشورشان نیستند. هم اکنون اشتغال افغانه در خراسان جنوبی از دغدغه های اصلی مردم بوده بطوریکه افغانه ساکن در استان، با هر شرایطی آماده کار بوده و بسیاری از فرصت های شغلی را از جوانان ربوده اند. اما این در حالی است که به گفته مسئولان ۹۰٪ اشتغال کارگران افغان در زمینه هایی است که کارگران ایرانی تمایلی به انجام دادن آن ندارند. خطرات ناشی از حضور اتباع خارجی غیر مجاز در بازار کار و سوء استفاده تعدادی از کارفرمایان متخلف از این حضور غیر قانونی موجب تغییر فرهنگ کار شد و توقعات کاذبی را برای تعدادی از کارفرمایان و پیمانکاران ایجاد کرده است. حضور اتباع غیر مجاز باعث مشکلات بعدی در زمینه اشتغال شده که به تبع آن نیز مشکلاتی نیز در عرصه های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی ایجاد می شود.
سکونت اتباع خارجی غیر مجاز در حاشیه شهر ها و در مکان هایی که به صورت غیرقانونی احداث شده اند، مشکلات بهداشتی، فرهنگی و امنیتی را در پی داشته و بر زیبایی استان تاثیر منفی برجا گذاشته است، همچنین ازدواج زنان ایرانی با مردان افغانی از دیگر مشکلات و آسیب های اجتماعی وارد شده به استان بوده که منجر به بروز بسیاری از مشکلات فرهنگی و



اجتماعی می شود. این ازدواج ها در روستاهای حاشیه ای و دور افتاده خراسان جنوبی مشاهده می شود که نیازمند بررسی و توجه بیشتر مسئولان است. (بنهری، ۱۳۸۲: ۴۷)

هجوم مهاجران افغانی جدای از آن که ثبات داخلی را تهدید می کند، موجی از تنش های داخلی را به وجود می آورد که موجب می شود یک هزینه اضافی بر سیستم های اقتصادی دولت های این منطقه، برای جواب گویی به حداقل نیازهای معیشتی این مهاجران تحمیل شود. هم چنین روی آوردن هایی از این مهاجرین به کارهای خلاف مثل قاچاق مواد مخدرسرت، آدم ربایی و غیره، هراس و وحشت را در بین مردم دو کشور ایران و پاکستان ایجاد و امنیت داخلی را شکننده می سازد. زاغه نشینی در اطراف شهرهای بزرگ و تكدی گری از پیامدهای حضور مهاجرین افغانی در فضای جغرافیایی ایران است.

۲-۴ وهابیت و سلفی گری

۲-۴-۱ جبهه مشترک عبری -عربی به عنوان ابزاری بر علیه ایران جبهه مشترک اسرائیل و عربستان علیه ایران شکل که در دوره ترامپ شکل گرفته بود . در نتیجه، آمریکا، اسرائیل و عربستان همراه با کشورهای متحد عرب خود، همکاری های مشترک امنیتی و سیاسی را آغاز کردند و هر اقدامی را که در توان داشتند، علیه ایران انجام دادند که نابودی برجام تنها یکی از اقداماتشان بود. جبهه مشترک عربی-عبری می تواند از طالبان به عنوان ابزاری علیه ایران استفاده کند که مورد خوشایند و حمایت آمریکا هم خواهد بود. (موسویان ۱۴۰۰: ۱)

۲-۴-۲ نا امن کردن مناطق مرزی

ایران در محیط پیرامونی خود خصوصاً مرزهای شرقی همواره با چالش ها و مشکلات متعدد و مداوم روبرو بوده و در حال حاضر تروریسم و افراط گرایی، دولت های ضعیف و بحران اقتدار و همچنین مداخلات قدرت های فرا منطقه ای خصوصاً در مرزهای شرقی سه چالش امنیتی اصلی در محیط پیرامونی ایران محسوب می شود. وهابیت و سلفی گری به عنوان یک ایدئولوژی مذهبی افراطی منبع عمده گسترش تروریسم و تنش های مذهبی می باشد. عدم وجود دولت مقتدر در افغانستان افزایش تولید و ترانزیت مواد مخدر، مهاجرت ها و سایر موارد برای جمهوری اسلامی ایران تبعات نامناسبی داشته و علاوه بر مشکلات اقتصادی، اجتماعی پیامدهای امنیتی نیز به بار آورده است. با توجه به تهدیدهای مورد اشاره در مرزهای شرقی، استانهای مرزی و از جمله استان خراسان جنوبی که ۴۶۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور نابسامان افغانستان دارد می تواند بیشترین تاثیر پذیری از این تهدیدات را داشته باشد. (ساوه درودی ۱۴۰۰: ۵)

۲-۴-۳ ماهیت ضد شیعی سلفی گری و تحركات فرقه گرایی

وهابیت و سلفی گری به عنوان یک ایدئولوژی مذهبی، افراطی منبع عمده گسترش تروریسم و تنش های مذهبی می باشد و به واسطه دولت شکننده در افغانستان و بحران اقتدار و سایر عوامل سیاسی، اجتماعی و مولفه های بیرونی ادامه حیات می دهد و ثبات و امنیت منطقه را به شدت متاثر می سازد.

سلطه طالبان بر افغانستان می تواند تهدیدی جدی برای امنیت ملی ایران باشد. ایدئولوژی طالبان برگرفته از مکتب وهابیت عربستان است که ماهیت ضدشیعی دارد، بنابراین ظهور مجدد طالبان می تواند به عنوان یک چالش ایدئولوژیکی جدید در مرزها، موجب تقویت تحركات فرقه گرایی و تجزیه طلبانه در ایران باشد.



شیعیان افغانستان از نگاه سیاسی، هیچگاه به جایگاه مطلوبی در افغانستان نرسیده اند. صرف نظر از تاریخ غمبار این مردم در عصر عبدالرحمان خان (۱۸۸۰-۱۹۰۱ میلادی)، که ۶۲ درصد کل شیعیان افغانستان قتل عام و یا از کشور فراری شدند، تا چند سال پیش نیز از نگاه قانونی، هیچگونه حقی برای احراز مناصب ارشد دولتی نداشتند. با این حال تلاش‌های زیادی صورت گرفت تا شیعیان مثل سایر مردم به حقوق مساوی با دیگران برسند. اولین اقدام در این زمینه، در عصر امان الله خان شروع شد. در این دوره، سران و روشنفکران شیعه همگام با آزادی خواهان دیگر اقوام، تلاش کردند تا قانون بردگی شیعیان را لغو کنند، ولی هنگام تصویب قانون اساسی افغانستان، در سال‌های ۱۳۰۱ (۱۹۲۲ میلادی) و ۱۳۰۳ (۱۹۲۴ میلادی) درباره رسمی شدن مذهب شیعه در کنار مذهب سنی، متعصبان مذهبی مقاومت نمودند و نگذاشتند که این ماده قانونی به تصویب برسد.

در قانون اساسی دوره نادرخان، مصوب ۱۳۰۹ (۱۹۳۰ میلادی) بر نفی مذهب شیعه تصریح شد. در این قانون، شیعیان افغانستان حتی به اندازه، هندوها و یهودیان نیز آزادی مذهبی نداشتند. بنابراین، اندک آزادی مذهبی، که در عصر امان الله خان به وجود آمده بود، دوباره سلب شد و بار دیگر شیعیان تحت فشار و آزار و اذیت قرار گرفتند. این وضعیت با شدت و ضعف خود، تا سال ۱۳۴۳ (۱۹۶۴ میلادی)، که قانون اساسی دوره مشروطیت به تصویب رسید، پابرجا بود. در سال ۱۳۴۳ (۱۹۶۴ میلادی)، نیز مثل دوره امان الله خان، مجدداً شیعیان به تکیه افتادند تا مذهب شیعه در کنار مذهب حنفی رسمیت یابد، اما موفق نشدند. با اینکه در قانون اساسی دوره داوود خان مصوب ۱۳۵۵ (۱۹۷۶ میلادی)، از رسمیت مذهب حنفی نام برده نشده، ولی در ماده ۹۹، محاکم کشور را به پیروی از اصول کلی فقه حنفی ملزم می‌ساخت و شیعیان امکان تصاحب پست‌های کلیدی را نداشتند.

در دوره دکتر محمد نجیب الله که رویکرد کمونیستی داشت، قانونی در سال ۱۳۶۷ (۱۹۸۸ میلادی) به تصویب رسید که زمینه ورود شیعیان را نیز در مناصب ارشد دولتی نفی نمی‌کرد. از این رو، در دوره کمونیست‌ها، تعدادی از شیعیان حزبی نیز به مناصب ارشد حکومتی، حتی تا صدارت، رسیدند. در این دوره، آزادی‌هایی داده شد که بویژه فرقه اسماعیلی‌ها بیشتر از آن‌ها استفاده کردند و برای اولین بار، در تاریخ افغانستان مطرح شدند. با شکست حکومت دکتر نجیب الله و تشکیل حکومت مجاهدین در کابل، قانون مصوب سال ۱۳۶۷ (۱۹۸۸ میلادی) همچنان اجرا شد. بعدها برهان الدین ربانی رئیس جمهور وقت افغانستان در سال ۱۳۷۱ (۱۹۹۲ میلادی) دستور تدوین قانون اساسی جدید را صادر کرد که این قانون تمام حقوق شیعیان را نفی می‌کرد. (شجاعی نسب و ثلاثی ۱۳۹۹: ۳۴۴)

این قانون اساسی راه را به کلی به روی شیعیان بسته بود، حتی شعار آزادی ادیان و مذاهب غیراسلامی را نیز نفی می‌کرد تا شیعیان نتوانند همانند دوره ظاهرشاه از آن مواد قانونی استفاده نموده، به اقامه شعائر مذهبی خود بپردازند. اینجا بود که جنگ‌های خونینی در کابل به راه افتاد تا سرانجام، طالبان از راه رسید. اما طالبان نه تنها برای شیعیان در قانون، حقی قایل نشدند، بلکه شیعیان را از حق تابعیت افغانستان نیز محروم ساختند. طالبان با این ذهنیت منفی علیه شیعیان، بارها مردم شیعه را قتل عام نمودند تا اینکه حکومت طالبان در سال ۱۳۸۰ (۲۰۰۱ میلادی) سرنگون شد. پس از سقوط طالبان، بر اساس موافقتنامه بن، حکومت انتقالی شش ماهه در کابل به ریاست حامد کرزی تشکیل گردید و این حکومت قانون اساسی جدیدی تدوین نمود. در این قانون، همانند قوانین دوره امان الله، داوود خان و نجیب الله، قید رسمیت داشتن مذهب خاص برداشته شد. قید «پیروی از مذهب خاص» از شرایط نامزدی ریاست جمهوری نیز حذف شد. براساس همین مواد قانونی، برای



اولین بار در تاریخ کشور، یک شیعه هم در کنار ۱۷ نفر سنی، خود را نامزد ریاست جمهوری نمود. بدین سان، شیعیان افغانستان پس از قرن‌ها انزوا و دوری از قدرت و حکومت در افغانستان، از نگاه قانونی، رسماً شریک در قدرت و حکومت گردیدند.

بر اساس مصوبات کنفرانس بن در سال ۲۰۰۱ میلادی باید قدرت دولت افغانستان مطابق سهمیه قومی تقسیم می‌شد. چهار قوم پشتون، تاجیک، ازبک و هزاره در نظر گرفته شد. هزاره‌ها هم که اکثریت را در میان شیعیان تشکیل می‌دهند و با فقر فرهنگی، تاریخی و سیاسی دست به گریبان بودند، قبول کردند؛ اما این رویکرد هزاره‌ها برای کلیت شیعیان خطرناک شد. چون زمینه‌های قوم‌گرایی میان هزاره‌ها وجود داشت و آمریکایی‌ها با آگاهی از این مسئله، از طریق قومی سازی، تلاش کردند هزاره‌ها را از بدنه تشیع جدا کنند تا میان هزاره‌ها «تفکر قومی»، جایگزین «تفکر مذهبی» شود. در واقع، «غیردینی» کردن و «سکولار سازی سیاست» در کنفرانس بن پیگیری شد و همین مساله بر شیعیان افغانستان نیز تأثیر گذاشت.

۵-۲ تهدید امنیت مرزی فعالیت گروه‌های تروریستی ضدایرانی در خاک پاکستان
بخش قابل توجهی از برنامه ریزی و مدیریت فعالیت‌های خرابکارانه شرق ایران در خاک پاکستان انجام می‌شود. همکاری برخی از اعضای سرویس اطلاعات پاکستان (آی.‌اس.‌آی) با گروه‌هایی هم چون لشکر جنگویی و یوبندیه، خلاء نظارتی در مناطق مرزی و عدم متقابل جدی با این گروه‌ها از جمله مهمترین چالش‌های موجود در روابط دو کشور هستند. تهدیدات امنیتی موجود در منطقه بلوچستان

در حوزه امنیت سیاسی شاید برجسته‌ترین ابعاد امنیت سیاسی، بحث حاکمیت و نهادهاست که ایده حاکمیت، در قسمت‌های مختلف به ایدئولوژی، قواعد تشکیل دهنده حاکمیت و حتی هویت ملی تعبیر شده است هدف از تهدید ممکن است از فشار بر حکومت در مورد سیاست خاصی گرفته تا واژگونی حکومت، جدایی طلبی و برهم زدن بافت سیاسی دولت برای تضعیف آن پیش از تهاجم نظامی، متفاوت باشد. ایده دولت، به خصوص هویت ملی و ایدئولوژی سازمان دهنده و نهادهایی که نماد آن هستند، اهداف عادی تهدید سیاسی به شمار می‌روند. چون دولت اصولاً موجودیتی سیاسی است، تهدید سیاسی امکان دارد به همان اندازه تهدید نظامی هراس انگیز باشد. تهدید سیاسی از افکار و سندهایی که توجیه اصلی آنارشی بین‌المللی محسوب می‌شود، ناشی می‌گردد. نظر به بنیادی بودن تعارضات این ایدئولوژیها، دولتی که طرفدار یکی از آنهاست از جانب سایرین احساس تهدید میکند. رقابت بین ایدئولوژیها، بسیار پیچیده است. این امر، تعریف دقیق تهدید جدی سیاسی در سطحی را که شایسته عنوان امنیت ملی باشد، بلوچستان منطقه مرزی مشترک بین جمهوری اسلامی ایران و پاکستان است که ساکنین آن قوم بلوچ هستند که به لحاظ زبانی، قومی، فرهنگی و به طور سنتی شباهت دارند. بخشی از این منطقه در پاکستان، بخشی در ایران و قسمت‌هایی نیز در افغانستان قرار دارد. پاکستان از جمله دولتهای پسااستعماری است که اقوام مختلفی در آن ساکن هستند. این گروه‌های قومی از بدو تأسیس این کشور با تأکید بر مؤلفه‌های زبانی، فرهنگی و قومی خاص خود در صدد استقلال بوده قوم بلوچ یکی از این قومیت‌ها است که از ابتدای جدایی پاکستان از هند همواره امنیت این کشور را به چالش کشیده است.

تنش در ایالت بلوچستان از همان بدو استقلال پاکستان آغاز شده است. نیروهای ناسیونالیسم در بلوچستان تهدیدی برای انسجام ملی پاکستان هستند.



گروه مانند ارتش آزادی بلوچ (BLA)، ارتش جمهوری خواه بلوچ (BRA)، جبهه آزادی بخش بلوچ (BLF) و غیره به طور مداوم دولت را به چالش می کشند. علاوه بر این، از سال ۲۰۰۹ که آمریکاییها مدعی شدند که کویته و اطراف آن پناهگاهی امن برای رهبری طالبان، از جمله مآلعمر بوده، بلوچستان شدیداً تحت نظر گرفته شد. دیگر گروههای شبه نظامی مانند لشکر جهنگوی (لشکر جنگوی)، طالبان، جندالله پاکستان و جندالله ایران که خود را جنبش مقاومت مردم ایران معرفی کرده بود، نیز در بلوچستان فعال هستند.

گروهک جندالله ایران که از دهه ۱۳۸۰ اقداماتی علیه جمهوری اسلامی ایران انجام داد و تا مدتها سبب تیره شدن روابط ایران و پاکستان شد به طور مخفیانه از کشورهای افغانستان و پاکستان به ایران وارد شده بود.

این ارتباط، ایران بارها پاکستان را به حمایت از شورشیان بلوچ بر علیه ایران متهم کرده است. به رغم تهران مسئله مهم در این حوادث امنیتی، منشأ تروریسم در خاک پاکستان است و این کشور در سالهای اخیر همواره کانون اقدامات تروریستی و های خشونت فراوانی بوده است. از نظر ایران، حوادث تلخ شهادت ایرانیان در سالهای اخیر در مرزهای شرقی و جنوب شرقی کشور، در بر دارنده این حقیقت است که ساماندهی و هدایت جریانهای تروریستی از خاک پاکستان صورت می گیرد تروریستها و عوامل نفوذی به راحتی قادر به عبور از مرزهای این کشور به داخل ایران و بازگشت دوباره هستند. در همین رابطه، بعد از حادثه تروریستی ۲۶ مهر ۱۳۸۸ در سیستان و بلوچستان، مصطفی نجار، وزیر وقت کشور ایران در سفر به پاکستان و دیدار با زرداری، رئیس جمهور وقت این کشور اعلام داشت: «از رئیس جمهور و دولت پاکستان مجدانه می خواهیم عوامل تروریستی را که در خاک پاکستان تردد و علیه ایران اقدامات تروریستی می کنند، شناسایی و بازداشت کند. کندی همچنین، مرز جمهوری اسلامی ایران همیشه برای پاکستان مرز امن و با ثبات بوده است و ما متقابلاً از این کشور انتظارات بیشتری در خصوص امنیت مرزی داریم. علیرغم اینکه مقامات حکومتی پاکستان به ایران قول مساعدت و همکاری را داده اند. (احمد پور و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۳)

اما تکرار موضوع تا مدتها موجب رنجش تهران از اسلام آباد بوده است.

به زعم مقامات ایرانی، پاکستان در خصوص دستگیری و تحویل تروریست های بلوچ که در خاک این کشور بر ضد نیروهای امنیتی و مرزبانان آن اقدام می کنند با ایران همکاری نکرده و در عوض اجازه ی حمله به ایران را درون خاک خود می دهد. و همچنین پاکستان پایگاهی برای گروه تروریستی همدست با سایر کشورها و در واقع، این کشورها از خاک پاکستان علیه ایران اقدام کنند پاکستان به جای از بین بردن گروه های جهادی از آنها برای استفاده از اهداف عربستان علیه کشور های دیگر از جمله ایران استفاده می کند.

عربستان هم به لحاظ اقتصادی و مالی از آن حمایت کند و هم مانع افزایش نفوذ ایران در منطقه شود. بنابراین با توجه به فعل و انفاعات اخیر خاورمیانه، حضور عربستان و ارتباط نزدیک آن با پاکستان نیز از جمله مواردی است که به عنوان تهدیدی علیه ایران برای ایجاد همکاری بیشتر میان دو کشور مطرح می شود. در واقع، کشورهای عربی و در رأس آنها عربستان به منظور جلوگیری از گسترش نفوذ ایران در پاکستان، ضمن حمایت از گروههای خاص تندرو در این کشور به حمایت از مدارس مذهبی پرداختند. گسترش هر چه بیشتر مدارس مذهبی رادیکال در پاکستان در این راستا قابل تحلیل است. (شفیعی و محمودی ۱۳۹۱: ۸۴)



در مقابل، مقامات پاکستان نیز بارها ادعاهایی مبنی بر داشتن اسنادی در زمینه دست داشتن ایران و هند در دامن زدن به شورشیهای جدایی طلب بلوچهای پاکستان برای ایجاد اخلاص و بی نظمی در پروژه بندر گوادر مطرح کردند. پاکستانی ها بر این باورند که هند و ایران کارگروهی را برای تضعیف و ممانعت از توسعه بندر گوادر تشکیل داده اند و برای انجام این کار، هر دو کشور ایران و هند در حال تلاش برای حمایت از شورشیان بلوچ و تروریستها در کشور آنها هستند. علاوه بر این، به بهانه جدایی طلبی، این کشورها شبه نظامیانی را آموزش داده که به کاروان ارتش پاکستان و اردوگاههای نظامی پاکستان حمله کنند، بنابراین، به تنهایی چنین فعالیتهایی انجام نمی گیرد. پاکستان همچنین مدعی است که مدارک و شواهدی دارد که نشان میدهد این شابه نظامیان به منظور تحریک درگیری شیعه و سانی در سراسر پاکستان در کشتن زائران شیعه که از طریق بلوچستان به ایران سفر می کنند دست بردارد، زیرا همواره در سراسر تاریخ این کشور هدف از کشتن اقلیت شیعه به چالش کشیدن پاکستان بوده است.

نتیجه گیری

آسیب پذیریها در امنیت داخلی از نقاط ضعف مزمنی نشأت گرفته که ساختار، امکانات و قابلیت های موجود نتواند جوابگوی آنها باشد به اعتقاد بیشتر صاحب نظران، اولین و مهم ترین کارکرد مرز، کارکرد دفاعی- امنیتی آن است و دغدغه اصلی حکومتها این است که مرزهای کشورها جز در برخی گذرگاههای مجاز غیر قابل نفوذ باشد تا امنیت کشور از ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی مورد تهدید واقع نشود. یکی از مهم ترین عوامل مؤثر بر امنیت مرزها، سیاست های کنترل و مدیریت مرزهای بین المللی است. کشورهای مختلف متناسب با ویژگی های خود ممکن است سیاست مرزهای بسته، باز و یا کنترل شده را انتخاب کنند و پیرو آن از طرح ها، شیوه ها، اقدامات و تجهیزات متفاوتی نیز برای نظارت و کنترل مؤثر مرزهای خود بهره بگیرند. در بین مرزهای ایران و همسایگان، مرزهای شرقی ایران و افغانستان، پاکستان و کشور های همسایه به دلیل وجود شرایط خاص همچون بی ثباتی سیاسی و فقدان چتر حاکمیتی فراگیر، تردهای غیر قانونی اتباع مهاجر، قاچاقچیان و اشار، حضور و فعالیت گروه های مسلح تروریستی همچون طالبان و القاعده و کارتل های مواد مخدر و... از جمله مناطق ناامن محسوب شده و تا کنون تلاش های متعددی از سوی مقامات و نهادهای مسؤول برای کنترل این مرزها صورت گرفته است. وهابیت و سلفی گری به عنوان یک ایدئولوژی مذهبی افراطی منبع عمده گسترش تروریسم و تنش های مذهبی می باشد. عدم وجود دولت های مقتدر در افغانستان و پاکستان، عراق، سوریه افزایش تولید و ترانزیت مواد مخدر، مهاجرت ها و سایر موارد برای جمهوری اسلامی ایران تبعات نامناسبی داشته و علاوه بر مشکلات اقتصادی، اجتماعی پیامدهای امنیتی نیز به بار آورده است.



منابع

۱. احمدی پور زهرا و همکاران ۱۳۸۹، تحلیل ژئوپولتیکی فرصت و چالش های همگرایی در منطقه غرب آسیا، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای سال اول شماره ۱
۲. احمدی پور زهرا و همکاران ۱۳۸۹، تحلیل ژئوپولتیکی فرصت و چالش های همگرایی در منطقه غرب آسیا، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای سال اول ش ۴ و ۱.
۳. اشرف نظری، علی، السمیری، عبدالعظیم ۱۳۹۴. «بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش): فهم زمینه های فکری و سیاسی-اجتماعی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال هفدهم
۴. بوزان، باری ۱۳۹۰، مردم، دولت ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. بوزان باری ۱۳۷۸، مردم، دولت ها و هراس، تهران پژوهشکده مطالعات راهبردی
۶. بنهری، عبدالله. ۱۳۸۳ تاثیر اعتیاد و قاچاق مواد مخدر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. پایان نامه منتشر شده ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشکده علوم انتظامی، تهران
۷. پولادی حسن و همکاران ۱۳۹۵، الگو سزی عوامل پایدار امنیت پایداری مرزی، فصلنامه مطالعات مرزی، شماره ۲
۸. خانی علی عبدالله ۱۳۹۰، امنیت منطقه ای خاورمیانه (رویکرد و الزامات) انتشارات دانشگاه عالی دفاع مقدس
۹. ساوه درودی مصطفی ۱۴۰۰، ظهور مجدد طالبان و تاثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران (فرصت - تهدید) فصلنامه دولت پژوهی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳
۱۰. شجاعی نسب حسن و ثلاثی رضا ۱۳۹۲، مرزهای شرقی، همجواری با افغانستان، نظم و امنیت، همایش ملی خراسان جنوبی نظم و امنیت، دانشگاه بیرجند، اردیبهشت ۱۳۹۸
۱۱. شفیع نودر و محمودی زهرا ۱۳۹۱، واکاوی دلایل اهمیت پاکستان در جنگ علیه تروریسم، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۸
۱۲. عارف خانی مصطفی ۱۳۹۶، بررسی رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه از منظر رئالیسم، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد ..
۱۳. عسگری محمود ۱۳۸۲، منطقه گرایی و پارادایم امنیت منطقه ای، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۱
۱۴. فراستخواه، مقصود. ۱۳۹۴. ما ایرانیان، تهران: نشر نی
۱۵. قرشی سید یوسف، ۱۳۹۵، امنیتی شدن و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دانشکده مطالعات راهبردی، چاپ ۱
۱۶. موسویان سید حسین ۱۴۰۰، چهار فرصت و چهار تهدید قدرت گیری طالبان برای ایران، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره روزنامه: ۵۲۵۳
۱۷. نجات، علی ۱۳۹۶، بحران سوریه و بازیگران منطقه ای. تهران: انتشارات ایران
۱۸. نوید نیا، منیژه ۱۳۸۴، چندگانگی امنیت: امنیت ملی، عمومی و امنیت اجتماعی، تهران: نشریه معاونت اجتماعی ناجا، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره دوم و سوم، تابستان و پاییز